

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

قیمت ۲ مارك

شماره ۶

آبان ماه ۱۳۶۸

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

تأکیدی مجدد

بر ضرورت شکل ما

ما طی ۵ شماره نشریه کارگر تبعیدی، و نیز از طریق اطلاعیه ها و اعلامیه های خود تا کنون به زوایای از ضمن کارمان پرداخته ایم و تا حدودی اهداف خود را تشریح نموده ایم. با این وجود لازم می دانیم مجدداً چارچوب فعالیت خود را بیشتر توضیح داده و وظایفی را که در پیش روی کارگران تبعیدی ایرانی قرار دارد، برجسته تر سازیم.

یک دهه از انقلاب بهمن ۵۷ میگذرد؛ انقلابی که کارگران در آن نقش بس مهمی داشتند و موفق شدند با اعتصابات پر قدرت خویش گله رژیم ستشاهی را بنهارند.

گزارش اولین مجمع عمومی

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

پنا به دعوت هیئت موسس اولین مجمع عمومی کارگران تبعیدی ایران در روزهای شنبه دوم و یکشنبه سوم سپتامبر ۸۹ در یکی از شهرهای آلمان برگزار گردید.

دستور جلسه پیشنهادی عبارت بود از:

- ۱- گزارش فعالیت تاکنونی هیئت موسس
- ۲- تصویب منشور و اساسنامه
- ۳- انتخاب هیئت مدیره جدید

از آنجا که برگزاری تاریخ مجمع عمومی ها در آنجا بود با برگزاری تظاهرات ضد تروریسم جمهوری اسلامی و برای اعتراض به ترور غلام کشاورز، که عده ای از رفقا در آن شرکت کرده بودند بنابراین روز اول مجمع عمومی به بحثهای کلی و آزاد حول چگونگی پیشبرد کارها، ضرورت وجودی شکل و نقطه نظرات هر یک از رفقای کارگر اختصاص یافت.

مجمع عمومی از روز دوم، وارد دستور جلسه شد. ابتدا دبیر ۱۰ موقت از سوی هیئت موسس گزارش فعالیت تاکنونی را ارائه داد. وی ابتدا به معرفی رفقا پرداخت و اظهار داشت که غیراز آلمان رفقایی از هلند و دانمارک و اطریش با هیئت موسس

نگاهی گذرا به ابعاد بیکاری کارگران در ایران

اضافه می شود. آمار ارائه شده توسط رژیم صنی بر ظرفیت جذب نیروی کار نیز نه معضوف به ایجاد اشتغال برای کارگران بلکه اساساً در جهت جابجایی کارگران چون با حقوق پائین و شرایط استخدامی نامناسب (بصورت پیمانی) بجای کارگرانی است که در اثر سیاستهای سرمایه دارانه رژیم اخراج می گردند.

بقیه در صفحه ۱

اساسنامه پیشنهادی انجمن

ماده اول - هدف:

- ۱- مشکل کردن کلبه کارگران تبعیدی و مهاجر ایرانی.
- ۲- دفاع از کلیه اشکال مبارزات کارگران ایران.
- ۳- جلب حمایت کارگران جهان از مبارزات کارگران ایران.
- ۴- همبستگی با مبارزات کارگران جهان.

بقیه در صفحه ۱

مسئله کارگران بیکار اکنون به یکی از مهمترین مسائل طبقه کارگر ایران تبدیل گردیده است، وعده های توخالی رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر آنکه پس از آتش بس دوره بازسازی اقتصادی، رونق فرا خواهد رسید و بیکاران، سر کار خواهند رفت اینک با گذشت بیش از یکسال از دوره به اصطلاح بازسازی اقتصادی هر چه بیشتر دروغین بودن خود را آشکار ساخته است. طبق آمار ارائه شده از جانب خود رژیم ظرفیت جذب نیروی کار برای پنجسال آینده حداکثر سالانه ۴۰ هزار نفر خواهد بود. و این در حالی است که با توجه به رشد ۳/۹ درصدی جمعیت ۵۰ میلیونی ایران، هر ساله حداقل ۶۰۰ هزار نفر به نیروی فعال کشور

همکاری داشته اند که نمایندگان آنها در این مجمع حضور دارند ولی متأسفانه رفقای اطریش بدلیل موانع مرزی موفق به شرکت در مجمع عمومی نشده اند. وی سپس ادامه داد که در اولین نشست ه. م در (۸۸/۴/۱۶) یک هیئت اجرایی شکل گرفت و بقیه در صفحه ۲

گرانی و مبارزه کارگران بر سر افزایش دستمزدها

است، در ماههای اخیر آنچنان دامنه و ابعساد بی سابقه ای به خود گرفته است که صاحب دیگر را تحت الشعاع قرار داده است.

بقیه در صفحه ۵

وضعیت زندگی و معیشت کارگران ایران، بعد از مرگ خمینی همچنان روبه وخامت می رود. گرانی و قحطی کالا، که در تمام طول حکومت ننگین جمهوری اسلامی با زندگی کارگران و زحمتکشان عجین بوده

- ★ لیست اسامی شهدای کارگر ★ پلاتفرم کارگران تبعیدی ایرانی
- ★ سخنی با دوستان به بهانه نقد پلاتفرم انجمن ★ حمایت کارگران آلمانی از برادران هم طبقه ای خود در آفریقای جنوبی، جلسوهای از همبستگی بین المللی کارگری ★ پیشنهادهای مجمع عمومی آینده ★ هدیه ها
- ★ طرح پیشنهادی ★ معرفی کتاب ★ بیکاری در آلمان ★ تروریسم جمهوری اسلامی، ادامه سرکوب کارگران است ★ اخبار دستگیری کارگران

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

گزارش اولین مجمع عمومی انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

دنباله از صفحه ۱

۳ واحد از کشورهای آلمان، اطریش و دانمارک بوجود آمد. در نشست اولیه طرح پلاتفرم پیشنهادی به تصویب رسید و برای انتشار آماده گردید. به علاوه یک دفتر مرکزی بوجود آمد که برای هماهنگی و ارتباطات اقدام می کرد. این تشکل "جنبش دفاع از حقوق سندیگانی کارگران ایران" نام گرفت و در اول ماه مه ۱۹۸۸ با پخش پلاتفرم، اعلامیه اول ماه مه و فراخوان کارگران تبعیدی رسماً اعلام موجودیت کرد.

در جمع بندی از کار هیئت موسس این وظایف در دستور قرار گرفت:

الف - معرفی تشکل - از طریق نشریه و بعضاً اعلامیه هایی که در موارد مشخص مانند اعلامیه اول ماه مه داده می شود.

ب - ارتباط گیری با اتحادیه های کارگری و سایر تشکلهای کارگری در خارج کشور.

ج - اقدام برای ثبت تشکل که در بین و چند شهر دیگر اقدام شد اما به لحاظ موفق نبود.

د - تهیه اسامی شهدای کارگر که تاکنون پیش از پانصد نام تهیه شده.

در مورد نقایص کار هم م. وی اظهار داشت که اولاً بدلیل دوری محل کار و زندگی اعضا هم از یکدیگر پیشرفت کارمان کند بوده، ثانیاً میتوان گفت که کم کاری هیئت موسس نیز در این عدم پیشرفت دخیل بوده است. اما با وجود مشکلات زیاد موفق شدیم که ۵ شماره نشریه کارگر تبعیدی انتشار دهیم. قبل از انتشار کارگر تبعیدی، رفقای دانمارک نشریه پیوند را درمی آوردند که بیشتر به مسائل دموکراتیک میپرداخت و اهداف جنبش را مد نظر نداشت که پیشنهاد شد که چاپ نکنند و رفقا موافقت کردند.

در نشست دوم هم م. وی هم رفقا این کم کاریها را تایید کردند ولی عملاً کم کاری لازم به شد.

در مورد عضویت با دو سال سابقه کارگری هر واحد می توانست مستقلاً عضوگیری کند و حتی عضویت ماهانه ۵ مارک تعیین شده بود که بدرستی صورت نگرفت.

در ابتدا قرار بود واحدها هر ۶ ماه یکبار گزارش بدهند که اولاً داده میشد و بعد قطع شد.

قرار بود که در هر کشور اگر بتوانیم نشریه ای بزیان محلی در آوریم که در آلمان نتوانستیم ولی در کشورهای دیگر اعلامیه ها و فراخوانهایی به زبان محلی داده شد.

تقسیم کاری که در هم م. صورت گرفت بدلیل دوری مسافت عملاً پیشرفت همه کارها در آلمان متمرکز شد. نتیجه این شد که کارهای انتشار نشریه،

چاپ و ۰۰۰ در یکجا متمرکز شد و هزینه زیادهای طلبید که با کمک مالی اندکی که میشد خوانایی نداشت.

در مورد رابطه با تشکلهای کارگری، چندین بار با OGB و ۰۰۰ تماس گرفته شد (در آلمان) ولی آنها بر سر پلاتفرم ایرادهای داشتند که مانع همکاری جدی آنها با ما می شد. به علاوه نبود یک نشریه بزیان آلمانی مانع شناخت بیشتری از ما شده بود.

سهی یکی از رفقای واحد دانمارک گزارش داد. وی گفت ابتدا نشریه ای در می آوریم که حدود ۱۰۰۰ کرون هزینه برداشت و ما نتوانستیم بععلت نام "جنبش دفاع" و محدودیتهای دیگر تشکل را در دانمارک به ثبت برسانیم و قانونی کنیم. به اساسنامه برخورد کردیم که در نشریه چاپ شد. و بنا به پیشنهاد رفقای هم بعد از انتشار "کارگر تبعیدی" دیگر نشریه "پیوند" را در نیاوردیم.

سهی رفیقی از هلند گزارش داد که در آنجا چشم انداز تشکیل واحد نیست و میتوان با برخی از کارگران همکاری کرد. به علاوه امکان به ثبت رساندن تشکل هم موجود است. ما تلاشهایی برای ترجمه صورت داده ایم اما هنوز موفق نشده ایم. در آنجا تشکلهای کارگری مختلف هست و احتمالاً میتوان با آنها همکاری کرد.

در انتها مجدداً دبره ۱۰ با توجه به عدم حضور رفقای اطریش گزارشی را که آنها داده بودند با اطلاع مجمع عمومی رساند. وی اظهار داشت که در اطریش با کلیه تشکلهای دموکراتیک در وین ارتباط نزدیک و همکاری وجود دارد. به عنوان نمونه با سبزها و TSO اطریش و تشکل کارگران ترک در آنجا تماس وجود دارد. به علاوه تهیه پیش نویس اولیه اساسنامه و ارسال جنسند خاطره برای نشریه و نیز شرکت در مراسم اول ماه مه با جهل پلاکارد جنبش و پخش جدید ۵۰۰ اعلامیه فعالیتها را دیگر آنها بوده است.

رفیق گزارش دهنده در انتها در مورد استقلال تشکل از سازمانهای سیاسی اظهار داشت که در هم م. وی دو نظر وجود داشت. یک نظر معتقد بود که با سازمانهای سیاسی تماس بگیریم و از آنها کمک بخواهیم و نظر دیگر مخالف تماس بود. ولی از آنجائیکه نشریه پیام کارگر در مورد تشکل مطالبی چاپ کرده بود، و این القاء وابستگی سیاسی می کرد، در مجموع می توان گفت چیزی که در پیام کارگر چاپ شد بنفع ما نبود و اگر سایر نشریات سازمانها هم مطالبی در این باره چاپ می کردند القاء زائده بودن را نمی کرد. به علاوه در مورد چاپ یکی از مطالب نشریه "خاطره کارگر چوکا" در نشریه جهان نو "شورا بعالی" که بدون ذکر ماخذ چاپ شده بود، نیز انتقاد شد.

در مورد سمت دوم دستور جلسه، بحث حول پلاتفرم پیشنهادی، ابتدا رفقا در مورد اینکه اهداف تشکل را مشخص نمائیم و سپس متناسب با آن عنوان تشکل را انتخاب کنیم، بتوافق رسیدند. عده ای از رفقا عنوان کردند که پلاتفرم پیشنهادی، یک پلاتفرم جریان سیاسی است و

مسائلی مانند اشاره به سرنگونی رژیم و ۰۰۰ مانع به ثبت رساندن آن و پیشرفت عملی کارمان می شود و از طرف دیگر اهدافی که در دستور کارمان قرار میدهد، فراتر از ظرفیت این تشکل است.

بعلاوه در مورد کلمه "جنبش" که دارای مفهوم خاصی است و نیز عنوان کلمه "دفاع" در اسم تشکل که غیر از کارگران کسان دیگری نمیتوانند مدافع حقوق کارگران باشند و هویت جمع کارگران تبعیدی را نمی رساند، در مجموع توافق شد که حذف شوند. به غیر از آن در مورد اهداف تشکل از جمله دفاع از انواع تشکلهای، حرکت در جهت همبستگی کارگران ایران و اروپا و از این نظر مدوم شمردن کارسیاه کمابین همبستگی لطمه وارد می کند و نیز شناساندن مبارزات کارگران ایران به کارگران سایر ملیتها بعمل آمد، پیشنهادی بعمل آمد.

در انتها رای گیری بعمل آمد و با توافق آراء (جزیک نفر) با حذف کلمه جنبش موافقت شد و پس از رای گیری روی عناوین پیشنهادی برای تشکل، با اکثریت قاطع آراء نام "انجمن کارگران تبعیدی ایرانی" تصویب شد.

در بحث روی منشور و اهداف تشکل و وظایف آن با تغییراتی در متن و نیز تفکیک اهداف عمومی انجمن از وظایف آن و افزودن چند بند به آن و حذف تعدادی از بندها، پلاتفرم "انجمن کارگران تبعیدی ایرانی" به تصویب رسید که در همین شماره نشریه بچاپ رسیده است.

با توجه به نبودن وقت کافی بحث روی اساسنامه، به مجمع عمومی بعدی محول شد. اما قرار شد در فاصله دو مجمع عمومی (حداکثر تا سه ماه بعد) یک هیئت اجرایی موقت انتخاب شد که وظایف زیر را در این فاصله بعهده دارد:

۱- تهیه پیش نویس یک اساسنامه جدید برای ارائه به مجمع عمومی بعدی.

۲- انتشار یک شماره نشریه در چهار جیب پلاتفرم تصویب شده و طبق روال سابق و درج پلاتفرم تصویبی و اساسنامه پیشنهادی در آن،

۳- فراخوان مجمع عمومی برای تصویب اساسنامه و دعوت از همه اعضا برای شرکت در آن

۴- ادامه دادن ارتباطات قبلی با مجامع کارگری و ایجاد ارتباطات جدید،

۵- تشکیل واحدهای جدید در شهرها با توجه به عضوگیری اعضا جدید و برقراری ارتباطات با واحدها،

۶- ارائه گزارش کتبی تشکیلاتی توسط هم م. به مجمع عمومی بعدی،

۷- تهیه آدرسی برای در اختیار گذاشتن به واحدها،

۸- موضوع گیری در مسائل مشخص با توجه به پلاتفرم تصویب شده.

سهی انتخاب هیئت اجرایی موقت صورت گرفت و ۵ نفر از رفقا برای هم م. موقت انتخاب شدند و قرار شد که در این فاصله هم م. یک هفت موقت از بین خود انتخاب کند و نشریه بعدی را انتشار دهد.

تذکره رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در مدت حکومت ضد انقلابی خود دهها هزار کارگر و انقلابی دیگر را اعدام و ترور کرده و بیادریزشکنجه بشهادت رسانده است، لاکثر آنان برای مردم ایسران ناشناخته مانده و تنها اسامی بخشی از آنها در لیست شهدای انقلاب ایران آمده است. ما توانسته ایم

اسامی بیش از ۵۰۰ نفر از جانب‌باختگان کارگرا، که از سال ۶۰ تا ۶۳ بشهادت رسیده اند، تهیه کنیم. اما بی شک تعداد شهدای کارگر در همین مدت بیش از این رقم بوده، و از سال ۶۳ به این سو نیز تنها تعداد کمی از این شهدا را شناخته ایم. اینک در نظر از این شهدا داشته و در فرصت داریم لیست اسامی شهدای کارگر مناسب بولتن کامل آنرا به چاپ آریه ترتیب القیاد این نشریه برسانیم. قبلا از همکاران سپاسگزاریم

درج نمائیم و از همه کسانی که کارگران شهیدی را می شناخته اند کسبه اسامی شان در این لیست نیامده، انتظار داریم اسامی آنها و تاریخ، محل و چگونگی شهادت و در صورت امکان زندگینامه آنها را برای ما ارسال کنند تا بتوانیم لیست کاملتری از این شهدا را شناخته ایم. اینک در نظر از این شهدا داشته و در فرصت داریم لیست اسامی شهدای کارگر مناسب بولتن کامل آنرا به چاپ آریه ترتیب القیاد این نشریه برسانیم. قبلا از همکاران سپاسگزاریم

لیست اسامی شهدای کارگر

دردوران حکومت جمهوری اسلامی

شماره	نام خانوادگی	نام	نحو شهادت	تاریخ شهادت
۳۶۰	کلانی گنجینه جمشید	تیرباران	تابستان ۶۰	
۳۶۱	کلانتری قدیر	"	زمستان ۶۰	
۳۶۲	کلاهی بهرام	"	تابستان ۶۲	
۳۶۳	کلنگری محمود	"	سال ۶۲	
۳۶۴	کلیل منفرد	محمد حسین درگیری	زمستان ۶۰	
۳۶۵	کیانی هوشنگ	تیرباران	تابستان ۶۲	
۳۶۶	گرچی زاده (وحید) فریدون	"	پائیز ۶۰	
۳۶۷	گرمسیری محمد حسین	"	زمستان ۶۰	
۳۶۸	گسگری حسن	"	پائیز ۶۰	
۳۶۹	گلایی امیر	"	سال ۶۲	
۳۷۰	گلپایگانی حسین	"	تابستان ۶۰	
۳۷۱	گلپایگانی خسرو	"	سال ۶۰	
۳۷۲	گلدوز حمید	"	پائیز ۶۰	
۳۷۳	گلیج رحمت الله	"	پائیز ۶۰	
۳۷۴	گنجی محمد حسین	"	تابستان ۶۰	
۳۷۵	گودرزی عباس	درگیری	زمستان ۶۰	
۳۷۶	گودرزی سعود	تیرباران	تابستان ۶۰	
۳۷۷	گیاهی شبیر	"	تابستان ۶۰	
۳۷۸	گیاهی رسول	درگیری	سال ۶۱	
۳۷۹	گیوی احمد	"	سال ۶۱	
۳۸۰	لطفی فیروز حین ماموریت	"	بهار ۶۳	
۳۸۱	لکزیان ابوالقاسم	"	پائیز ۶۰	
۳۸۲	مبشری امیر قلی	تیرباران	تابستان ۶۰	
۳۸۳	محبوبیان محمد	"	پائیز ۶۰	
۳۸۴	محجوم جواد	"	"	
۳۸۵	محسنی رحمت	تیرباران	تابستان ۶۰	
۳۸۶	محکم محسن	درگیری	پائیز ۶۱	
۳۸۷	محمود پیر عمر	"	بهار ۶۰	
۳۸۸	محمود پور قاسم	"	بهار ۶۰	

۲۸۹	محمد ثانی حمزه	"	پائیز ۶۰
۳۹۰	محمد جان پور قاسم	تیرباران	تابستان ۶۰
۳۹۱	محمد زاده احمد رضا	"	پائیز ۶۰
۳۹۲	محمد زاده حمید رضا	"	"
۳۹۳	محمد زاده غلامرضا	حلق آویز	بهار ۶۱
۳۹۴	محمد علی پور غلامعلی	زیر شکنجه	بهار ۶۴
۳۹۵	محمدی اکبر	تیرباران	آبان ۶۰
۳۹۶	محمدی حسن	تیرباران	آبان ۶۰
۳۹۷	محمدی سعود	تیرباران	زمستان ۶۰
۳۹۸	محمودی مشکوف رحیم	درگیری	سال ۶۲
۳۹۹	محتاری سیامک	زیر شکنجه	تابستان ۶۲
۴۰۰	مخفی غلام	تیرباران	تابستان ۶۰
۴۰۱	مراد رستمی ابوالحسن	"	"
۴۰۲	مراد رستمی مهدی	"	"
۴۰۳	مرادی رضا	"	"
۴۰۴	مرادی غلامرضا	حلق آویز	تابستان ۶۱
۴۰۵	مرتضوی کریم	درگیری	پائیز ۶۰
۴۰۶	مروتی اکبر	تیرباران	پائیز ۶۰
۴۰۷	"	حسن	تابستان ۶۰
۴۰۸	مسگری محمود	درگیری	سال ۶۲
۴۰۹	مسلم خانی اکبر	حلق آویز	بهار ۶۲
۴۱۰	مشعلی سید ظاهر	تیرباران	پائیز ۶۰
۴۱۱	مشعوف رحیم	درگیری	بهار ۶۲
۴۱۲	مشعوف محمد	حلق آویز	بهار ۶۴
۴۱۳	مشهدی علی نقی	تیرباران	بهار ۶۱
۴۱۴	مشهدی	"	پائیز ۶۰
۴۱۵	مصدق اسماعیل	"	"
۴۱۶	مصری سعید	تیرباران	تابستان ۶۰
۴۱۷	مصلحی ابراهیم	"	تابستان ۶۰
۴۱۸	مطلبی مظاهر	"	پائیز ۶۰
۴۱۹	منظلو مان ابوالفضل	"	تابستان ۶۰

ادامه دارد

تأکیدی مجدد بر ضرورت تشکل ما

دنباله از صفحه ۱

کارگران برآمد اگر چه تشکیلات شوراهای وانجمن های اسلامی با مقاومت کارگران روبرو پیوده و در بین کارگران منزوی است ، ولی واقعیت اینست که تشکلهای واقعی کارگران توسط رژیم از میان برداشته شده و کارگران برای احقاق حقوق خود و چانه زدن بر سر فروش بهتر نیروی کار خویشتن مرجعی در اختیار ندارند ، به همین جهت فشار کار و استثمار کارگران روز بروز بیشتر و قدرت خرید و وضع اقتصادی - اجتماعی آنان دائما بد و بدتر می شود ، بدلیل فقدان تشکلهای مستقل ، آنها قادر نیستند بین درآمد و سطح زندگی و شرایط اقتصادی موجود توازن قابل تحلیلی برقرار سازند . رژیم از بی تشکیلی کارگران سوء استفاده کرده ، افزایش حقوق و حداقل دستمزد را بدلتخواه تعیین می نماید و فقر روز افزونی را بر کارگران تحمیل نموده و خواستهها و اعتراضات برحق کارگران را بشیوه فاشیستی سرکوب می کند . پایین بودن سطح دستمزد ، فقدان امکانات رفاهی ، نبود تامین اجتماعی و بیمه درمانی مناسب و ... همه و همه این نیازهای واقعی و ملموس ، که حق شناخته شده برای کارگران در همه دنیا است ، بر کرده کارگران ایران سنگینی می کند . حق مبارزه برای بهبود شرایط زندگی ، حق اعتصاب ، حق مبارزه برای کمتر کردن ساعت کار روزانه و ... که در بسیاری از کشورها وجود دارد ، از کارگر ایرانی سلب گردیده و هر آنچه را که دولت تصمیم بگیرد ، از طریق وزارت کار و ارگانهای سرکوب و تفتیش عقاید بر کارگران اعمال می کند .

علاوه بر اینها ، بسیاری از کارگران بیکار شده اند ، در حالیکه از بیمه بیکاری محرومند و هیچ درآمدی برای ادامه معاش خود و خانواده خود ندارند ، که همین بیکاری کارگران شاغل را نیز تهدید می نماید و کارفرماها از آن بعنوان چماقی بر علیه کارگران شغالی استفاده می کنند .

بدینگونه کارگران کشور ما ، در شرایط بسیار بدی بسر می برند اما با وجود اینهمه فشار و سرکوب

و غیرم دشواریهای ناشی از بی تشکیلی ، در جستجوی راههای تازه ای برای مبارزه اند ، آنها از هر طریق از جمله استفاده از تشکلهای موقت و مخفی و پنهانی اعتراضات خود را سازمان میدهند و در طی سالهای اخیر با وجود محدودیتهای بسیار ما شاهد اعتراضات و اعتصابات بسیاری از جانب کارگران ایران بودیم که بخشا توانسته است عقب نشینی هایی به جمهوری اسلامی تحمیل نماید .

در این حال کارگران ایران از حمایت هم طبقه ای های جهانی خود محرومند و رژیم ایران مانع ارتباط بین آنها و کارگران جهان گردیده است ، بطوریکه شرایط غیر قابل تحمل کارگران ایران در هیچ کجای دنیا منعکس نمی گردد در حالیکه آنها اکنون بیش از هر زمان دیگر شدیداً به حمایت جهانیان نیاز دارند . در جائیکه کارگران بسیاری از کشورهای اروپایی از مبارزات برحق کارگران دیگر کشورها که مانند ایران مبارزات آنها توسط رژیمهای حاکم بر کشورشان سرکوب می شوند - حمایت نموده و حتی مانند حمایت کارگران آلمان از مبارزات کارگران آفریقای جنوبی (که تاثیر مستقیمی بر زندگی و شرایط کار آنها داشت) وجود این همبستگی بین کارگران سراسر جهان تاثیرات بسیار مهمی بر زندگی و مبارزات کارگران جهان داشته و دارد - کارگران ایران از این حمایت بین المللی محرومند .

بر ما کارگران دیروزی ایران و کارگران تبعیدی امروزی است که از مشکلات و معضلات برادران کارگر ایرانی خود غافل نمانیم . ما قادریم از این اهرمها به نفع کارگران کشورمان بهره گیریم . برای اینکار باید قبل از همه در تشکل خود - انجمن کارگران تبعیدی ایرانی - گرد آئیم تا هماهنگ و مشکل در تشکلهای کارگری کشوری که فعلاً در آن بسر می بریم عضو شویم و از این طریق دشواریهای کارگران ایران را برای آنها توضیح داده ، سرکوبها و فشارهای عدیده رژیم اختناق ایران را بر کارگران کشورمان بطور مستند افشاء کنیم و حمایت آنها را بطور جدی و

گسترده جلب نمائیم . ما باید از کارگران همه کشورها بخواهیم تا از طریق اتحادیه ها و سندیکاها و هر امکان دیگری که در اختیار دارند ، به حکومت اسلامی اعتراض کرده و به آن فشار آورند که حق داشتن تشکل های مستقل کارگری ، حق اعتصاب ، حق اعتراض ، حق کار و سایر حقوقی که جزو حقوق حقه کارگران در سراسر جهان است برای کارگران ایران نیز برسمیت بشناسند .

اهداف و وظایف مادر پلاتفرم صوبه نخستین مجمع عمومی مندرج است که محورهای فعالیت ما را مشخص می سازد . اما نکته ای که باید بطور اختصار توضیح داد اینست که : ما حول دفاع از منافع کارگران ایران و در راستای احقاق حقوق شناخته شده بین المللی کارگران فعالیت خود را سازمان می دهیم (مانند دفاع از حق داشتن تشکل های مستقل کارگری ، حق اعتصاب ، حق کار و ...)

و هم چنین همبستگی با کارگران دیگر کشورها و جلب حمایت کارگران جهان از مبارزات کارگران ایران از دیگر اهداف اساسی این انجمن خواهد بود . ولی از مبارزات عمومی و دموکراتیک مردم ایران نیز (مانند دفاع از آزادی زندانیان سیاسی و ... که در بند ۱۱ پلاتفرم به آن اشاره رفته است) حمایت می نمائیم و تشکل ما رأساً سازمانگر این گونه مبارزات نخواهد بود .

بدینسان ما قادر به دفاع از حقوق و مبارزات کارگران ایران در هر جایی که زندگی می کنیم هستیم ! تجربه یکساله اخیر به تشکل کارگران تبعیدی نشان می دهد که بهره گیری از این امکانات قابل حصولند و کارگران این کشورها از همکاری و همبستگی با انجمن کارگران تبعیدی ایرانی استقبال می نمایند . از این امکانات برای دفاع از حقوق و مبارزات کارگران ایران استفاده کنیم !

نگاهی گذرا به ابعاد بیکاری کارگران

در ایران

دنباله از صفحه ۱

اورا هم نمی دهد باز نشسته می شود ! (نشریه کار و کارگر شماره ۲۱۵ به تاریخ ۶۸/۴/۳)

با توجه به آنکه کارگران باز نشسته حقوق ناچیزی دریافت کرده و از سوی دیگر کارگران جدید نیز بر مبنای حداقل حقوق (۸۲ تومان) بیکار اشتغال پیدا می کنند لذا علاوه بر این که قبلاً به یک خانواده کارگری تعلق می گرفت اکنون بین ۲ خانوار تقسیم می شود و بجای کارگران فرسوده از کار نیز نیروی جوان جایگزین می گردد .

در کنار این سیاست ضد کارگری فشار برای باز خرید کردن کارگران در صنایعی که دچار رکود هستند همچنان ادامه دارد ، تنها در صنایع ماشین سازی طبق اظهارات مسئولین رزیه طی دوره گذشته ۱۳۵۰۰ نفر شامش طرح اخراجهای گسترده رژیم شده اند و یکی از نشریات دولتی اخیراً خبسم اخراج ۱۸۰۰ نفر از کارگران سایپا را نیز به این مجموعه افزوده است .

جمهوری اسلامی در سال جاری حتی بی سوادی کارگران را نیز بهانه ای

طبق صوبه مجلس اسلامی در اسفند ماه سال گذشته مبنی بر "منع گسترش سازمانهای تابع دولت" کارگرانی که از این پس مشغول به کار می شوند استخدام رسمی نبوده بلکه بصورت قراردادی اشتغال پیدا خواهند کرد ، از سوی دیگر رژیم با طرح "بازنشستگی زودرس کارگران" می خواهد هر چه زودتر کارگران مسن و از کار افتاده را از کارخانجات اخراج نماید . کارگران با بازنشستگی کلیه زوائد دستمزد از قبیل عیدی ، حق بهره ری و حقوق ناشی از اضافه کاری را از دست داده و حقوق دریافتی شان حتی کفاف زندگی بخور و نوبرشان را نیز نخواهد داد . یکی از زنان کارگری که ۲۵ سال سابقه کار دارد و دچار انواع دردهای مفصلی در اثر سالیان دراز کاری می باشد در رابطه با این طرح می گوید :

"ماشین که با بیست سال کار فرسوده می شود و با تفاوت فاحشی که انسان با ماشین دارد و در معرض بیماریها و حوادث گوناگون نیز قرار دارد این معادله چقدر ناعادلانه است ، ناعادلانه تر اینکه در آخر کار هم بسا حقوق ناچیزی که کفاف احتیاجات اولیه

گرانی و مبارزه کارگران بر سر افزایش دستمزدها

دنباله از صفحه ۱

در حالی که حداقل دستمزد روزانه کارگر ۸۲ تومان است، قیمت یک کیلو برنج ۱۰۰ تومان و یک کیلو گوشت ۲۸۰ تومان، روغن ۲۰۰ تومان و ۰۰۰ که بهمه اینها بایستی کسب و معینان بسای اجاره خانه را هم اضافه کرد.

هیچ بعید نیست زمانی که این مطلب را می خوانید با این افزایش مستمر قیمتها، ارقام فوق به دوره "ارزانی" سابق تعلق داشته باشد و نرخهای امروزین قابل مقایسه با آنها نباشد!

آری در این جهنمی که رژیم جمهوری اسلامی بر زندگی مردم حاکم کرده است، قیمت هر کالای روز بروز و شاید بهتر است بگویم ساعت به ساعت افزایش می یابد.

در این میان تنها یک کالا است که هم فراوان یافت می شود و هم جمهوری اسلامی سعی در جلوگیری از افزایش قیمت آن دارد و آنهم چیزی نیست جز نیرو کار کارگران!

جمهوری اسلامی اعلام کرده که در سال ۶۸ دستمزد کارگران افزایش نخواهد یافت و این در حالی است که نرخ تورم نزدیک به ۵۰۰ درصد تخمین زده میشود. جمهوری اسلامی کماکان دستمزد رسمی سال پیش را برای کارگران در نظر گرفته است. دستمزدهایی که تازه با چاپ وسیع اسکناس های بدون پشتوانه، به شدت ارزششان کاسته شده است. بر اساس این تصمیم دولت دستمزد روزانه کارگر ۸۲ تومان است که اگر کلیه دریافتی های دیگر، از قبیل

حق اولاد و حق مسکن را هم بآن اضافه کنیم، به سختی از مرز ۳۵۰۰ تومان در ماه تجاوز می کند. حال اگر این میزان دریافتی را با قیمت های سربلک کشیده ضروریترین کالاهای مورد نیاز مقایسه کنیم می بینیم که چه فشار کننده و طاقت فرسایی از بابت گرانی به طبقه ما و بطور کلی حقوق بگیران تحمیل می شود.

موج نارضایتی و خشم و نفرت توده های فرودست جامعه از این وضعیت به حدیست که سردمداران رژیم اسلامی را آشکارا به هراس انداخته است و حتی صدای مزدوران ضد کارگری را هم درآورده است. بطوریکه در برگزاری "کنگره سراسری شوراهای اسلامی" از طرف برخی شرکت کنندگان به مسئله گرانی سرسام آور و فشاری که بر کرده "مستحقان" وارد می شود، اعتراض شد و خواستار رسیدگی جدی دولت به مسئله گرانی و تورم شدند. ویا حتی در جلسات مجلس اسلامی نیز غرولندهایی از سوی برخی نمایندگان در این مورد شنیده می شود. مردم زحمتکش در ایران، بد رست رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را بعنوان مسبب اصلی گرانی و فحطی کالاستحاکت و آنگاه که در تظاهرات فروردین ماه گذشتسه در میدان شاهپور تهران فریاد "مرگ بر دولت" و "مرگ بر دروغگو" سر میدادند، مبارزه دروغین دولت را با گران فروشی مد نظر داشتند و خود دولت را عامل و مسبب آن می دانستند. اما جمهوری اسلامی فقط یک رژیم پاسدار نظم سرمایه داری است و بطور غم تمام اقدامات و سیاستهای ضد مردمی اش هنوز باید سر نشاء و ریشه گرانی را در خود این نظام جستجو

کرد. گرانی و تورم، صیبتی است که امسروز، بسیاری از کشورهای جهان با آن دست بگریانند. الجزایر، ترکیه، لهستان، یوگسلاوی، کره جنوبی، ونزویلا و آرژانتین، بویژه بخاطر اعتراضات وسیع توده های مردم در این کشورها به نمونه های آشنایی تبدیل شده اند.

اولین قدم در مبارزه علیه گرانی و تورم مبارزه برای افزایش فوری دستمزدهاست. مبارزه کارگران ایران برای افزایش دستمزدها، در عین حال تنها راه فوری برای مقابله با گرانی سرسام آور است. اعتصابات و اعتراضات کارگری که بویژه از پایان سال گذشته برای افزایش دستمزدها وسعت گرفته است، هم چنان ادامه دارد و "افزایش دستمزدها" یک مطالبه اصلی کارگران ایرانست!

این مبارزات باید مورد پشتیبانی وسیع توده های مردم ایران و پشتیبانی کارگران سراسر جهان قرار گیرد. کارگران دیگر کشورها که خود نیز عدتاً درگیر مبارزه برای افزایش دستمزدها هستند، باید مبارزات کارگران ایران بر سر افزایش دستمزدها را که بطور غیر غصب احتیاق خونین جمهوری اسلامی و منوعیت هرگونه اعتصاب و مبارزه در ایران جریان دارد، بشناسند و فعالانه از آن حمایت کنند.

ما کارگران تبعیدی وظیفه داریم وضعیت فلاتت بار کارگران ایران و نیز مبارزات آنها را بر سر افزایش دستمزد و سایر مطالبات کارگری بگوش برادران کارگرومان در دیگر کشورها رسانده و حمایت بین المللی از این مبارزات را جلب کنیم.

حمایت کارگران شساغل به پیش نخواهد رفت و در عین حال این مبارزه می تواند و باید با جلب حمایت کارگران سراسر جهان از مطالبات و خواستهای کارگران بیکار ایران همراه گردد. باید ضمن آشنا کردن کارگران و تشکیلات کارگری در کشورهای ارضائی و سایر ممالک از وضعیت کارگران بیکار ایرانی آنان را از اوضاع هم طبقه ای های ایرانی شان مطلع سازیم. این حداقل کاری است که ما کارگران تبعیدی در جهت بهبود وضع همکاران دیروزمان در ایران می توانیم انجام دهیم!

که قادر به تامین هزینه زندگی شان نبوده اند، افزایش تعداد کودکان بی سرپرستی که در معابر رها شده اند و دیگر والدین آنها توان پرداخت هزینه زندگی کودکانشان را ندارند و سقوط سطح خوراک کارگران بیکار تا حد فحطی و حذف وعده های غذای روزانه و تقلیل آن به یک وعده در روز چملمگی بیانگر گوشه ای از زندگی مشقت بار کارگران بیکار است که هر ساله بر تعدادشان افزوده می شود.

مبارزه علیه بیکاری و در دفاع از حقوق کارگران بیکار بدون جلب

است جدا از آنکه ثمره اش رونق یا بحران برای سرمایه داران باشد ولی در مورد کارگران نتیجه ای جز فلاکت و بیکاری بیشتر در بر نداشته است، لذا می بینیم که طرح اشتغال رژیم نیز در این دوره در بهترین حالت تنها قادر خواهد بود جای کارگران تازه اخراج شده را پر کند و ارتش چند میلیونی کارگران بیکار هم چنان باقی خواهد ماند و هر ساله چند صد هزار نفر نیز بدان اضافه خواهد گردید.

نبید حق کار و بیمه بیکاری و هم چنین منوعیت تشکی کارگران بیکار اکنون وضعیت کارگران بیکار ایرانی را بر مراتب دشوارتر از هم طبقه ای هایش در سایر کشورها ساخته است. اخبار متعددی که در صفحه حوادث روزنامه های ایران راجع به خودکشی کارگرانی

برای اخراج آنان قرار داده است* و اعلام کرده که کلیه کارگران بیسوادی که تا آخر سال ۶۸ سواد نیاموزند از کار اخراج خواهند گردید، که علاوه بر این است که کارگرانی که صبح تا شب کسار می کنند دیگر وقتی برای سواد آموزی پیدا نخواهند کرد.

طرح بازسازی اقتصادی که رژیم پس از قطع جنگ آنرا در پیش گرفته

وزارت کار با برقراری کلاسهای نهضت سواد آموزی در کارخانجات، کارگران بیسواد را وادار به شرکت در آن میکند و در صورتیکه مردود شوند و بسا در کلاسها شرکت نکنند کار خود را از دست خواهند داد واضح است با فشار کار طاقت فرسا و خستگی و مشکلات زندگی مجالی برای وقت اضافی برای سواد آموزی نمی ماند.



برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

اساسنامه پیشنهادی انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

دنباله از صفحه ۱

ماده دوم - شرایط عضویت :

همه کارگران تبعیدی ایرانی که در خارج از کشور بسر می برند در صورت دارا بسودن شرایط زیر می توانند به عضویت این انجمن در آیند .

۱- کارگرانی که حداقل ۲ سال در ایران سابقه کارگری داشته اند و یا هم اکنون کارگری باشند . بعلاوه داشتن دو عضو از اعضا انجمن بعنوان معرف .

تیمه ۱- کارگران کشورهای دیگر در صورت پذیرش منشور و اساسنامه میتوانند به عضویت افتخاری انجمن در آیند .

۲- قبیل منشور و اساسنامه انجمن

۳- فعالیت پیگیر و مسئولانه در جهت اهداف و برنامه انجمن در تمامی عرصه ها

۴- پرداخت ب موقع حق عضویت که حداقل آن بوسیله مجمع عمومی تعیین میشود و اعضا می توانند تا ششماه آنرا یک جا بپردازند .

ماده سوم - حقوق اعضا :

۱- حقوق همه اعضا برابر است و هر عضو با دارا بودن یک رای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارد .

۲- کلیه اعضا می توانند در تمامی عرصه های فعالیت انجمن شرکت کنند و انتقادات و پیشنهادات خود را در مجمع عمومی مطرح نمایند و یا اینکه خواهان درج نظرات خود در نشریه انجمن باشند .

ماده چهارم - شرایط لغو عضویت :

۱- عضویت در انجمن کاملاً داوطلبانه است و هر ضومی تواند به میل خود در هر زمان از آن کناره گیری کند .

۲- در صورتیکه ضوی پس از تذکرات مکرر کتبی تا مجمع عمومی بعدی شرایط عضویت را زیر پا گذاشت و یا حق عضویت را بموقع نپرداخت ، هر عضو وارگانی در انجمن می تواند اخراج او را بخواهد . ولی فقط مجمع عمومی حق اخراج را داراست .

ماده پنجم - مجمع عمومی :

۱- مجمع عمومی عالی ترین ارگان تصمیم گیری انجمن است و جلسات عادی آن ۶ ماه یا یکسال یکبار برگزار میشود .

۲- مجمع عمومی با حضور ۲/۳ اعضا هر یک با یک رای رسمیت می یابد .

۳- کلیه اعضا می توانند در مجمع عمومی شرکت کنند .

۴- در صورت تقاضای ۱/۳ اعضا برای برگزاری مجمع عمومی فوق العاده هیئت اجرایی موظف به فراخواندن مجمع عمومی است .

۵- تاریخ و محل برگزاری و دستور جلسه مجمع عمومی را هیأت اجرایی تعیین کرده و بمجمع به اطلاع اعضا میرساند .

۶- کلیه تصمیمات با رای ۱/۳ اعضا حاضر در مجمع عمومی به تصویب میرسد .

ماده ششم - وظایف مجمع عمومی :

۱- تصویب منشور و اساسنامه یکساله (ششماهه) انجمن و یا تغییر و اصلاح آن و یا حتی انحلال انجمن با توافق ۱/۳ اعضا .

۲- تعیین خط مشی و وظایف انجمن

۳- انتخاب ۵ یا ۷ نفر به سمت هیئت اجرایی

برای مدت یکسال (ششماه) و تعیین بازرس ۴- بررسی کلیه گزارشات هیئت اجرایی و بازرس انجمن .

ماده هفتم - هیئت اجرایی

۱- هیئت اجرایی عالی ترین ارگان منتخب مجمع عمومی در فاصله بین مجمع عمومی هاست که جلسات خود را ماهانه و یا در صورت لزوم نزدیکتر تشکیل خواهد داد .

۲- هیئت اجرایی شامل یک دبیر (اداره کننده جلسه و هماهنگ کننده فعالیت های مسئولین) یک منشی ، هیئت تحریریه ، مسئول تدارکات ، مسئول مالی ، مسئول روابط خارجی و مسئول آرشيو خواهد بود .

ماده هشتم - وظایف هیئت اجرایی

۱- مسئول به اجرا در آوردن و پیشبرد برنامه و اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی است .

۲- اطلاعات و اسناد ، اموال و خزانه انجمن را حفظ و کنترل و بکار می گیرد .

۳- ارتباط گیری با تشکیک های کارگری جهانی و دیگر مجامع دمکراتیک و مترقی .

۴- گزارشدهی فعالیت های انجمن به مجمع عمومی

۵- سازماندهی نشریه مرکزی و تبلیغات انجمن ، هیئت تحریریه نشریه انجمن توسط هیئت اجرایی تعیین می گردد .

۶- پاسخگویی به سئوالات ، پیشنهادات و انتقادات اعضا در فاصله بین مجمع عمومی ها .

۷- رای گیری از کلیه اعضا برای تصمیم گیری در مواقع ضروری که امکان فراخوا نندن مجمع عمومی نیست .

ماده نهم - دفتر مرکزی

دفتر مرکزی توسط هیئت اجرایی اداره میشود و مرکز ارتباطات و هماهنگی فعالیت های روزمره انجمن می باشد و وظایف آن عبارتند از :

۱- هماهنگی بین امر ارگانها و واحدهای مختلف انجمن در همه کشور ها .

۲- برگزاری نشست یسناله (ششماهه) با صدور قرارهای ضروری در صورت لزوم .

۳- تنظیم و پیشبرد انتشارات ، بررسی رهنمود های علمی عمومی و تخصیص نیازهای مالی به واحدها .

تیمه : انتشار نشریه انجمن بعهد دفتر مرکزست .

۴- سازماندهی ارتباطات با مجامع جهانی و بطور کلی روابط خارج از انجمن .

۵- صدور اطلاعیه های ضروری .

ماده دهم - واحدهای کشوری

(آلمان - اتریش - دانمارک - هلند) به ضابه بخشی از پیگیر انجمن در کشور های مختلف محسوب میشوند و شامل مسئولین انتخابی گروه های کاری مختلف در آن کشور می باشند . هر واحد به مسئولیت یک دبیر اداره میشود . مجموعه دبیر و مسئولین ارتباطات (داخلی و خارجی) ، تدارکات ، انتشارات ، تبلیغات ، مالی و هیأت اجرایی واحد را تشکیل میدهند .

وظایف :

۱- پیشبرد مستقلانه برنامه انجمن در کشور مربوطه و سازماندهی تبلیغات منطقه ای .

۲- عضو گیری کارگران متقاضی عضویت در کشور مربوطه در چهارچوب اساسنامه انجمن .

۳- ارتباط با مجامع کارگری و دمکراتیک

۴- گزارشدهی هر ماهه مرتب کلیه واحدهای مربوطه به دفتر مرکزی .

۵- واحدهای کشوری موظفند در فاصله دو ماه یکبار جلسه ای عمومی از کلیه اعضا برای تبادل نظر و بررسی فعالیت های انجمن برگزار کنند .

ماده یازدهم - بازرسین

۱- بازرسین که توسط مجمع عمومی انتخاب میشوند کار نظارت به پیشرفت کار انجمن و امور مالی و اداری را بعهده دارند .

۲- جوابدهی کتبی به شکایات ، انتقادات و درخواست های اعضا در رابطه با امور جاری انجمن .

۳- بازرسین حق شرکت و اظهار نظر در جلسات هیأت اجرایی و هر ارگان دیگری را بدون حق رای دارا هستند .

۴- فراخواندن مجمع عمومی برای ترمیم هیأت اجرایی در صورتیکه تعداد هیأت اجرایی به ۱/۳ تقلیل یابد .

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

حمایت کارگران آلمانی از برادران هم‌طبقه‌های خود در آفریقای جنوبی، جلوه‌های از همبستگی بین‌المللی کارگری

است این پیروزی را به کارگران آفریقای جنوبی در جلب همبستگی برادران کارگر آلمانی خود تبریک می‌گوید و به کارگران آلمانی نیز درود می‌فرستد!

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگری

ما را هر چه بیشتر به راهی که در پیش گرفته‌ایم امیدوارتر می‌کند.

انجمن کارگران تبعیدی که یکی از اهداف خود را کسب همبستگی بین‌المللی کارگری از مبارزات کارگران ایران قرار داده

اتحادیه کارگری IG Metal آلمان موفق شد که با سه شرکت اصلی اتومبیل‌سازی آلمان که در آفریقای جنوبی فعالیت می‌کنند یعنی ب.ام.و. و، فیلکس و اگن و بنز قرار دادی ببندد که بموجب آن کارگران سیاه آفریقای جنوبی از یک شرایط کار بسیار شبیه به کارگران خود آلمان برخوردار خواهند شد.

اتحادیه ای.گ.م.تال اعلام کرد که این قرارداد از دو لحاظ پیشینه جدیدی خلق میکند: بهبود شرایط کار در آفریقای جنوبی و کنترل رفتار شرکت‌های چند ملیتی در خارج کشور اصلی.

موافقت نامه ۱۴ ماده‌ای فوق که پس از مشورت با اتحادیه کارگری سیاه "نومسا" طرح ریزی شده کارگران را در قبال اخراج و تخلیه منازل متعلق به کارخانه هنگام اعتصاب حمایت می‌کند، پیکت را مجاز می‌شمارد، نمایندگان کارگران در سطح کارخانه را برسمیت می‌شناسد و میتینگ‌های اتحادیه را در ساختمان کارخانه و در اوقات کار مجاز می‌شمارد. این اتحادیه هم چنین اعلام کرده که چنانچه این موافقتنامه نقض شود در خود آلمان دست به اقدام حمایتی می‌زند. یک تلکس مستقیم بین آلمان و دفتر اتحادیه در آفریقای جنوبی دایر است.

این نمونه گما و درخشانی از همبستگی کارگری در سطح بین‌المللی است و این نمونه

طرح پیشنهادی

تصور می‌کنم که این طرح به جهت سادگیش کاملاً گویا باشد.

کارگران در میان دود ویتین و جرح دنده کارخانه تصویر شده اند و این فضا نشان از اسارت آنان در این چهار چوب دارد. اما با وجود این مستهای برافراشته کارگران، اعتراض و مبارزه جوییشان را در برابر هر آنچه که علیه آنان بکار گرفته میشود نشان میدهد. شعار بالای طرح خیراز هدف اساسی انجمن یعنی کمک به برپایی تشکلهای مستقل کارگری میدهد و علی‌نمودن آن بجز جلب همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان که محتوای شعار زیرین را تشکیل میدهند راه دیگری ندارد.

لازم به توضیح است که چکش یعنی نشان سنتی کارگری بدلیل اینکه بنظر من فقط سمبل قنسر خاص و عقب مانده کارگران است و با وجود تغییرات زیادی که صورت گرفته دین کارگران را



بصورتی نمایندگی نمی‌کند، از جانب من آگاهانه از طرح حذف شده بجای آن جرح دنده، کلاه‌های کارگری و صرخی از ساختمان کارخانجات مشخص شده هویت جهره هاست.

تصویر شده است.

نقش دین در بین کارگران و نقش انقلاب اکثر و بعداً نقش جنگ جهانی و رابطه سرمایه داران آمریکایی با مسئله جنگ در اروپا نیز در این کتاب تشریح شده است.

رشد جمعیت کارگری و آگاه شدن کارگران به منافع طبقاتی خویش از جالب ترین قسمتهای این کتاب می‌باشد.

به همه رفقای که توانایی و آشنایی با امر ترجمه دارند و به مطالعات در زمینه زندگی و روابط کارگری علاقمند می‌باشند، توصیه می‌کنم که به ترجمه این اثر بپردازند که خدمتی ارزنده به طبقه کارگر خواهد بود.

آلمان غربی "یک رفیق کارگر"

معرفی کتاب

یک نویسنده کارگری آمریکایی بنام آرتین سینگر کتابی نوشته تحت عنوان "خط تولید" Fließband که شامل سرگذشت تولد و رشد و گسترش صنعت اتومبیل سازی از اختراع اتومبیل توسط فورد (که خود در گذشته کارگری کارخانه بوده) تا تولید انبوه آن، از هفته‌ای چند عدد تا چندین هزار عدد!

در این کتاب که بسیار هنرمندانه نوشته شده تغییر نگرانی فورد از یک کارگر تا یک سرمایه دار بخوبی نشان داده شده است. بعلاوه در آن رابطه سرمایه دار با دولت، با پلیس، دین و فرهنگ، همه و همه به زیباترین وجهی موشکافی و

هدیه‌ها

* شعر کارگری از د. وایت ۱۹۳۲ *

توبا پوالت

کاخ، قدرت، عیش
آسایش و خنده، ترانه و شراب خواستی
و این همه را ما به دلخواه بتو ارزانی داشتیم
ما بخود جرات دادیم کار و نان بخواهیم
بخشی از ما بچون غلطیدند و چهار نفرمان جان باختند
و حشیانه با چماق بما حمله کردی
و با گلوله های کثیف و سربی که زوزه می کشید
در حیرت کنون که کی زمان آن فرا خواهد رسید
تا هدیه های محبت آمیزت را بتو باز گردانیم!

* این شعر به تظاهرات مشهوری اشاره دارد که در ۷ مارس ۱۹۳۲ انجام گرفت و به راهپیمایی گرسنگان شهرت یافت. صفوف هزاران نفر کارگران به سوی مزرعه فورد (در آمریکا) در حال حرکت بودند که از طرف پلیس و اوباشان مسلح و جنایتکار فورد به رگبار بسته شدند. تعدادی از کارگران جان باختند و تعداد زیادی نیز مجروح شدند. این جنایت سرمایه داران عزم کارگران را برای سازمانیابی جزم تر کرد و تلاش‌های بیشتری را در این راه بدنبال آورد.

به نقل از پیشرونگ شماره ۷ - نشریه کانون هنر و ادبیات کارگری کردستان

دفتر مرکزی: آلمان غربی
Postlagerkarte
Nr. 123903 C
53 Bonn 1
W. Germany

باشگاه‌های زیر با ما شانه گند:
دانمارک:
Knostravi
Posterestante H: 21
The main station
1570 K.b.h
Danmark

اتریش:
Schulgasse
Postfach 506
Wien 1181
Österreich

بیکاری در آلمان

امیر - دارمشتات

بیکاری یکنواختی از زائده های جامعه سرمایه داری است که گریبانگیر طبقه کارگر می باشد و سرمایه داران از آن برای خاموش کردن صدای اعتراض این طبقه استفاده می کنند . از هشت سال پیش تا کنون تعداد بیکاران در آلمان به میلیونها میرسد . این تعداد طبق آمار بوروبرویی حدود ۲/۵ میلیون نفر می باشد که البته این آمار با تعداد واقعی بیکاران صدق نمی کند ، زیرا بوروبرویی از هر طریق استفاده می کند که آمار تعداد بیکاران را پائین نهد . برای مثال کسانی که مدرسه خود را تمام می کنند و به اداره کار برای آموزش یک حرفه مراجعه می نمایند ، اداره کار به آنها دوه هائی ارائه می کند که معمولاً بعد از اتمام آن دوه شانس پیدا کردن کار در آن حشره بسیار کم است (آرایشگری - نانوايي - ۰۰۰) . منتهی برای اینکه بتواند تعداد بیکاران را حداقل ثابت نهد ، با این شیوه برای مدتی این جمع را از لیست بیکاران بیرون نگه می دارد . با اینکه افراد سنی که بیکار می شوند و شانس پیدا کردن کار جدید برایشان صفر می باشد میتوانند تقاضای بازتنستی بدهند (اینکه این تقاضا قبل شود یا نه جای خود دارد) و از زمانی که این تقاضا داده می شود این افراد جز لیست بیکاران محسوب نمی شوند و شیوه های دیگر .

احیرا دولت بیسنهاداتی در رابطه با پائین آوردن تعداد بیکاران کرده بدون اینکه محل کار جدید بوجود بیاید و تصمیم دارد این تعداد را (در آمار) به نصف برساند . مثلاً تمام زنان ماهلی که پول بیکاری نمی گیرند ، جوانانی که هنوز توسط والدین تامین می شوند ، بیکارانی که پس اندازی دارند ، بیکارانی که مدت زیادی به علت معلول بودن یا نداشتن حرفه یا سن زیاد بیکار بیده اند باید از لیست بیکاران خط بچوند .

میزان بیکاری در استانهای آلمان متفاوت است و این بدلیل رشد یا پس رفت هر یک از رشته های صنعتی میباشد . برای مثال در استانهای ساحلی (شمال آلمان) بحاضر وضعیت بد بنادر و کشتی سازی ، در (نوردراین وست فالسن) و زارلند بحاضر وضعیت بحرانی صنایع فولاد و معدن درصد بیکاری به مراتب بالاتر می باشد (هامبورگ ۱۲/۵٪ نیروی کار در سال ۸۷ و زارلند ۱۲/۳٪ و در A.R.W ، ۱۰/۸ درصد بیکاری وجود دارد) ولی بحاضر رشد رشته های صنعتی در الکترونیک و کامپیوتر و اتومبیل سازی درصد بیکاری در جنوب کمتر می باشد (بایرن ۵/۶ درصد و استان هسن ۶/۳ درصد)

لازم به توضیح است که وضعیت صنایع اتومبیل سازی هم رو به وحیم شدن دارد . بیکار سازیهای زیادی در این رشته از صنایع صورت می گیرد و طبق تخمینی که زده شده بیکاران در این بخش به دهها هزار نفر خواهد رسید .

درصد کارگران زن بیکار و کارگران خارجی بیکار از میانگین کارگران خیلی بیشتر است با توجه باینکه خیلی از زنان کارگر خود را در اداره کار ثبت نمی کنند و یا کارگران خارجی بیکار که از طرف دولت به آنها مقدار ناچیزی برای بازگشت به وطن خودشان پرداخت می کنند .

بین از نیمی از کارگران (۴۹/۵ درصد در سال ۸۷) دارای تخصص حرفه ای می باشند و دلیل این امر آنست که تکنیک جدید کمتر به کارگر حرفه ای نیاز دارد . با کامپیوتریزه شدن دستگاهها یک کارگر ساده میتواند بجای ۳ تا ۴ کارگر ماهر مثلا تراشکاری فرزکار ، یا ۳ تا ۴ دستگاه تمام اتوماتیک تراشکاری یا فرزکاری را راه بیندازد .

هر ساله تعداد کارگران بیکار افزایش می یابند بطوریکه در سال ۸۷ برای هر محل کار خالی ۱۲۲ بیکار با هم رقابت می کردند برای آن کار را بگیرند .

هر ساله وضعیت کم هزینه بیکاری بدتر می شود ، در سال ۸۷ فقط ۶۲ درصد از بیکاران موفق به دریافت کمک هزینه بیکاری شدند و بقیه کارگران بیکار چیزی دریافت نکردند (۸۳۵۱۲۰ نفر) یعنی یک سوم از بیکاران کمک هزینه بیکاری نگرفتند .

مقدار پول بیکاری بصورت متوسط در سال ۸۷ زیر ۱۰۰۰/۰۰۰ مارک در ماه بید : پول بیکاری ۹۸۴ مارک و کمک هزینه بیکاری ۸۰۶ مارک .
وضع کارگران زن بیکار به مراتب بدتر می باشد و مزد آنها پائین تر است .

یکی از راههای مقابله با بیکاری ، کم کردن ساعت کار و ممنوعیت اضافه کاری است . البته از سال ۸۵ شروع به کم کردن ساعات کار شده ولی تعداد بیکاران نه تنها کم نشد بلکه بالا هم رفت و دلیل آن اینستکه اکثر کارخانجات با کمترین پرسش ممکن به کارشان ادامه میدهند و وقتی کار زیاد باشد اضافه کاری کرده یا کارگران موقت می گیرند . چون اگر کارگر دائمی استخدام کند اولاً باید موقتی که کار هم کم می باشد به این افراد مزد و حقوق بدهد ، بیمه درمانی ، بازتنستی و ... پرداخت کند که برای سرمایه دار مقرون به صرفه نیست!

و یا از کارگران موقت خارجی تحت عناوینی مانند () که یکسوی کار سیاه سازماندهی شده توسط اداره کار می باشد ، استفاده می کند و ...

در مورد صنایع فولاد با اینکه گفته می شود این صنایع دچار بحران است ، جداول نشان می دهند که بطور سرسام آهی اضافه کاری در این رشته انجام می گیرد و حتی مقدار آن بالا هم رفته است . مثلاً مقدار فولاد ذوب شده در عرض ۶ ماه اول سال ۸۸ به ۲۰ میلیون تن رسید یعنی ۱۰ درصد بیشتر از ۶ ماه اول سال ۸۷ . در ماههای یونی و یولی ۸۸ هر ماه ۲۰۵۷۰۲۶۶ سلت اضافه کاری شد که این مقدار می توانست ۴۰۳۸ کارگر بیکار را مشغول بکار کند .

مسئله دیگر سوء استفاده سرمایه داران از بیکاری ، اتخاذ سیاستهایی است که عسلاً به

راسیسم امکان پیش روی میدهد .

استفاده دیگر که کارفرما از بیکاری می کند این است که براحقی حقوق کارکنان را پامال می کند و کارگر بخاطر آشنا نبودن به حقوق خودش و ترس از بیکار شدن تن بآن می دهد . کسانی هستند که با وجود مرضی به سرکاری آیند و یا اینکه شبیه ها کار می کنند ! و یا کار را به خانمشان می برند و انجام میدهند !

پیشنهاد

به مجمع عمومی آینده

از دوستان شرکت کننده در مجمع عمومی انجمن کارگران تبعیدی درخواست می نمائیم که دو بند پیشنهادی زیر را برای تصویب در مجمع عمومی آینده در دستور جلسه قرار دهند .

این دو بند جزو وظایف انجمن کارگران تبعیدی می باشد .

توضیح کوتاه در مورد هر کدام از آنها :

بند ۱- در حال حاضر تعداد زیادی از کارگران فعال و مبارزه دلایل مختلف مجبور به تبعید و خروج از کشور شده اند . تعدادی از آنها هنوز نتوانسته اند خود را به یکی از کشورهای پناهنده پذیر برسانند و فعلاً در کشورهای مجاور ایران در شرایط نامطلوبی بسر می برند .

و این وظیفه انجمن کارگران تبعیدی است که به اشکال مختلف (مالی ، امکاناتی ، ارتباطی ، حقوقی) به آنها برای رسیدن به یکی از کشورهای پناهنده پذیر اروپایی کمک کند (مستقل از افکار و عقاید آنها) و پس از رسیدن آنها باز هم کمک خود را ادامه دهد تا آنها هر چه زودتر بعنوان پناهنده پذیرفته شوند و به لحاظ معیشتی و زیستی در شرایط مناسبتری قرار بگیرند .

بند ۲- از امکانات موجود فعلی می بایست در راستای با رآهی اندیشه و جمع آوری تجارب فعالین جنبش کارگری ایران استفاده کرد . بر این مناسمی توان از صاحب نظران و فعالین جنبش کارگری ایران دعوت نمود که روی تم های مختلف جنبش کارگری ایران و جهان سمینار و بحث آزاد گذاشته شود . بعنوان مثال در مورد جنبش کارگری ایران می توان بر روی مباحثی از قبیل :

تاریخچه ، دستاوردها ، گرایشات ، وضعیت فعلی ، موانع پیشروی ، چشم انداز آتی به بحث و تبادل نظر پرداخت .

فرموله بند ۱ به کارگرانی که مجبور به تبعید شده اند در حد امکانات کمک شود تا هر چه زودتر از حقوق پناهندهگی برخوردار شوند .

فرموله بند ۲ تلاش در جهت ایجاد فضای مناسب جهت بحث و تبادل نظر حول مسائل جنبش کارگری ایران و جهان .

آلمان غربی - ناصر یادگار

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

تروریسم جمهوری اسلامی، ادامه سرکوب کارگران است

اخبار دستگیری کارگران

رژیم ضد کارگری و آزادی کُش جمهوری اسلامی، در تداوم سرکوب حرکت‌های اعتراضی کارگران و نفی تمام آزادی‌های دموکراتیک در ایران، اخیراً دامنه سرکوب را بخارج کشور کشانده و تروریسم سازمانیافته‌ای علیه مخالفین سیاسی خود برپا انداخته است.

بعد از ترور چندین نفر از مخالفین رژیم در کشورهای مختلف اروپا و آسیا، تروریست‌های صدارتی جمهوری اسلامی در ۲۶ اگوست، غلام کشاورز، یکی از چهره‌های سرشناس جنبش انقلابی را در حالیکه برای دیدار مادرش به قبرس رفته بود، ناجوانمردانه بقتل رساندند.

غلام کشاورز که فعالیت‌های سیاسی خود را در سال ۵۲ با شرکت در محافل انقلابی شروع کرده بود، در سال ۵۵ توسط ساواک شاه دستگیر می‌شود و همزمان با قیام توده‌ها، در سال ۵۷ از زندان آزاد می‌گردد. وی بعد از آزادی فعالانه به کار سیاسی و تبلیغی مخصوص در میان کارگران می‌پردازد و مدتی نیز با محافل کارگری مرتبط با خانه کارگر ارتباط داشت.

بعد از سال ۶۰ وی که یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایران بود، بخاطر پیشبرد امر مبارزه با جمهوری اسلامی به خارج کشور آمده و طی چند سال فعالیت‌های سیاسی خود بیکسی از چهره‌های سرشناس جنبش انقلابی تبدیل می‌شود.

غلام کشاورز که پناهنده سوئد بوده در یکی از شرکت‌های سوئدی بعنوان کارگر مشغول بکار می‌شود و از این طریق عضو اتحادیه سراسری کارگری سوئد (L.O.) که بزرگترین اتحادیه کارگری سوئد بود و بیش از ۹۰ درصد کارگران سوئد عضو آن هستند می‌شود. این اتحادیه کارگری پس از ترور غلام کشاورز، مسئله ترور او را پیگیری نموده و با تهیه برگ لیست‌اضافه و تهیه کارت و ارسال آن به شعبات مختلف اتحادیه در سراسر سوئد خواستار اعتراض کارگران علیه این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی می‌شود.

در این لیست‌اضافه چنین آمده:

برگ لیست‌اضافه از جانب بخش استان استکهلم

"اتحادیه سراسری کارگران سوئد L.O.

در جریان موج ترور رژیم اسلامی علیه پناهندگان سیاسی، عضو L.O. ای ما قربانی یک جنایت شد. همه چیز نشان بر این دارد که رژیم اسلامی برنامہ ادامه موج ترور را علیه پناهندگان سیاسی در دستور دارد. لازمست که ما با روش‌های رژیم اسلامی که مخالفین خود را در خارج هم به قتل می‌رساند، مبارزه کنیم. هدف رژیم از ترور مخالفین اینست که مبارزه پناهنده‌ها را علیه خودش محدود کند بدین وسیله قدرت خود را در ایران تحکیم کند و سرکوب و ارتباط در داخل ایران را گسترش دهد.

هر پناهنده ایرانی از خود ش سؤال می‌کند فردا نوبت کیست؟

برای سد کردن این قصد رژیم و این تهدید لازم است که مردم اقدام کنند. هم چنین لازمست که از جانب رژیم سوئد به رژیم اسلامی اعتراض شود و اعمال فشار شود.

بعلاوه آقای نورمن ویلیز دبیر کل اتحادیه‌های کارگری بریتانیا T.U.C (که اکثریت اتحادیه‌های کارگری در سراسر بریتانیا را در بر می‌گیرد) به مناسبت ترور غلام کشاورز پیام تسلیتی خطاب به همکاران غلام، خانواده و دوستان او ارسال کرده است. در این پیام آمده:

"از قتل غلام کشاورز که در راه دفاع از حقوق پایه‌ای بشر و حقوق اتحادیه‌ای، چه در داخل و چه در خارج ایران فعالیت می‌کرده است، تکان خورده‌ام، ما با نگرانی عیسق وضعیت کارگران ایران را که حقوق اتحادیه‌ای شان بطور جدی نص می‌شود، دنبال کرده‌ایم."

آقای ویلیز در این پیام هم چنین نوشته است که نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس اتحادیه‌های کارگری در شهر "پلاک پول" تشکیل یافته بود، روز چهارم سپتامبر در بزرگداشت فعالین اتحادیه‌های جهان خود را در راه دفاع از حقوق اتحادیه‌ای و حقوق پایه‌ای بشر در سراسر جهان از دست داده‌اند، برخاسته و ادای احترام کردند.

مسئله روابط بین المللی اتحادیه کارگران ترانسپورت و خدمات، که بزرگترین اتحادیه کارگری در بریتانیاست و نیز کارگران اعتصابی و اخراجی بندر "دور" بهمین مناسبت پیام‌های جداگانه‌ای فرستاده‌اند.

ما کارگران تبعیدی، که همراه با کارگران ایران، طعم تلخ فشارها، سرکوب‌ها، تضیقات و بی حقوقی‌های فراوانی را چشیده‌ایم، اعمال تروریستی جمهوری اسلامی را که دامنه آن بخارج کشور هم گسترش یافته است شدیداً محکوم می‌کنیم و از همه کارگران جهان، اتحادیه‌های کارگران و تمام انسانهای آزادیخواه می‌خواهیم که آنها محکوم کنند.

۱. حکومت جمهوری اسلامی در ادامه سیاست سرکوبگرانه خود در برخورد به مبارزات کارگری و نیروهای سیاسی اخیراً بمقتضیات و قبحانه دیگری متوسل گردید. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۴۲۲ خیراز دستگیری "کشبانند سرقت مسلحانه کادر پوشش یک گروه چپ‌فعالیت میگرد" دادماست. اما اخبار رسیده به "کارگر تبعیدی" و همچنین خودخبر مندرج در کیهان نشان میدهند که دستگیری کارگر و پسا از فعالین کارگری بودند. در بخشی از خبر درج‌شده در کیهان در مورد حبیب‌اله سلخسور بمشور رهبر گروه دستگیر شده چنین آمده:

"او باتوجه به شناخت کسی که از مسائل سیاسی و فکری داشت به عنوان فردی بی‌سواد در زمان بایکوت خند و ضد انقلاب با اعتقاد بر اینکه روزنفران می‌توانند هر رسیدن به هدف‌های خود، پیشرو باشند و باید از کارگران کمک گرفت به جنب

رژیم در ادامه این خیر با سرهمبندی کسب‌کردن اتهاماتی از قبیل سرقت و قتل سعی کرده‌است تا به مسئله بعد جنایی بدهد و اهداف سیاسی و سرکوب‌گرانه خود را در این ماجرا پنهان نماید.

۲. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که بارها دشمنی خود را با کارگران نشان داده است، در تداوم سرکوب حرکات کارگری دست به دستگیری‌های جدیدی از میان کارگران پیشرو زده است.

طبق خبرهای رسیده از چندین پیش‌تعدادی از کارگران حق طلب در شهر سندانج بی آنکه هیچگونه توضیحی به خانواده و بستگان آنها داده شود، توسط رژیم، دستگیر و زندانی شده‌اند و تاکنون که چند ماهی از دستگیری آنان می‌گذرد برای آزادی آنان هنوز جواب مشخصی به خانواده‌هایشان نداده‌اند.

اما همه میدانیم تنها دلیل سرکوبگران جمهوری اسلامی برای دستگیری کارگران، جز اعتراض و مبارزه کارگران بوضع موجود نمی‌باشد.

مسئولان رژیم در شهر سندانج مدتی پس از برگزاری جشن اول ماه مه تعدادی از کارگران را دستگیر کردند و با این کار خود نشان دادند که حتی یک روز سال را - روزی که تمام دنیا و از جمله خود این رژیم بنام روز کارگر برسمیت شناخته‌اند تحمل نمیکنند. آیا جرم این کارگران اینست که روز جهانی خود را جشن گرفته‌اند؟ جرمشان اینست که مراسم دولتی را تحریم کرده و روز جهانی کارگر را مستقلاً برپا داشته‌اند. بی‌گمان در شرایط فعلی دفاع جدی و موثر از آزادی فوری این کارگران و انقلابیون زندانی حمایت و پشتیبانی از اعتراض خانواده‌های زندانیان، گامی است بسیار ضروری در جهت خنثی کردن جو خفقان و سرکوب رژیم و کشتی است به پیشرفت و مقویت اعتراض حق طلبانه کارگران و زحمتکشان. ما همه کارگسران تبعیدی و انسانهای آزاد بخواه و شرافتمند را فرا می‌خوانیم در دفاع از آزادی رفقای کارگر زندانیان صدای اعتراض خود را بلند کنند.

سخنی بادوستان به بهانه نقد پلاتفرم انجمن

تشکیل انجمن کارگران سابق ایران تا جائیکه بتواند اعضا دور افتاده از هم اش را گرد هم آورد و به اولین هدفش جامعه عمل بپوشاند قدم مثبتی است. نیروهایی که می توانند در رابطه با اعضا "بی حقوقی کارگران ایران" با مسئولان نیروهای که می توانند در محل کار خود با ارتباط زنده، فعال و دوطرفه ای که با کارگران بخیر از ملیت خود برقرار می کنند چگونگی وضعیت دشوار کار و زندگی کارگر ایرانی را بگوش کارگر آلمانی، انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی، ترک و بالاخره هر ملیتی که همراه با او استوار میشوند، همراه با او مسئله پیدا می کند و باید همراه با او مسئله شان را حل کند برسانند. به زبان دیگری با او سخن میگویند، اما همان را می گویند که اوزمانی می گفته و یا هنوز هم میگوید. می توانند از بی حقوقی کارگر ایرانی بگویند، از اینکه در ایران بدینگونه نیست که یک کارگر بعضی استخدام در کارخانه بدون هیچ دردی عضو اتحادیه محل کارش بشود تا در همان چهارچوبی که احقاق حقوق قانونی در کشورهای اروپایی و یا امریکایی معنا دارد، حقوق او نیز برسمیت شناخته شود. بگویند که کارگر ایرانی با "انجمن های اسلامی" روبرو است که همانگونه که از پسوندش بر بیاید نه برای دفاع از خواسته ها و مطالبات کارگران و اخذ حقی از حقوق انکار شده کارگری، بلکه تنها برای پیشبرد سریع امور کارخانه های "دولت اسلامی" و در واقع غنی غنی حقوق و مطالبات شناخته شده و ابتدایی کارگران فعال است. و کدام کارگریست که نداند چنین ارگانی جز بخدمت کارفرما، مدیسه و سرپرست کارخانه دولت اسلامی بکار دیگری نمی آید. کدام کارگریست که از خود نهرسد که راستی چرا بجای کلمه کارگر باید همه جا کلمه اسلام را بشنود و چرا همینکه صحبت از حقوق کارگر بیان می آید فوری حقوق اسلامی در برابر آن قد علم می کند و هر حرکت حق طلبانه کارگر بعنوان اینکه شرعی هست یا نیست قضاوت می شود. بگویند که "حکومت اسلامی" در قانون کارش، کارگر و مدیر و سرپرست و سایر کارمندان را تحت نام کارکنان جمع می کند و برای کارگر موجودیتی و حقی جداگانه قائل نیست. و بالاخره بگویند پنجمین قانون کاری که در طول دهه گذشته تاکنون هنوز تمامی آن به تصویب شورای نگهبان اسلام نرسیده بر کارگران ایران حکمفرماست که نه تنها مطالبات اساسی کارگران را نمی کند بلکه حتی حق تشکیل مستقل و دفاع از حقوق اقتصادی و رفاهی شان را هم از آنها سلب کرده است و در حالیکه کارگر برای دفاع از خود وسیله ای بجز تشکل و اغلب راهی بجز اعتصاب ندارد و اینرا در اکثر نقاط جهان پذیرفته اند اما دستیابی به این حقوق و امکانات اولیه برای کارگر ایرانی یورش قوای نظامی و انتظامی و دستگیری و زندان و یا دست کم اخراج کارگران با شهادت و محق را بدنیال دارد. کارگرانی که در این بدترین نوع استبداد که جنایتهايش را هر چه بنویسند تا می

ندارد، دیگر تاب تحمل این وضع کننده را از دست داده اند. این تولید کنندگان ثروت جلمه با تمام وجودشان درک می کنند که زندگی فلاکت بار و حقیرانه ای که به آنها تحمیل شده دستکم شایسته کسی که تمام طول روز را کار می کند و شب با تنی خسته و روحیه ای اغلب درهم شکسته و تحقیر شده بخانه بر میگردد تا روز بعد از در گریه و میش هوا از خواب مرده و ارش بیدار شود و دوباره روز از نو، روزی از نو نیست. و کیست که نداند که تنها کورسویی که می تواند در این زندگی پر زحمت و درد بدید، امید کارگر به اینست که بتواند آزادانه حرفش را بزند و بی آنکه سر نیزه گلویش را بدرد حقش را بگیرد و لاقح نیروی کارش را بدانگونه بفروشد که سایر هم طبقه ای هایش در اکثر نقاط جهان به سرمایه داران عرضه اش می کنند. آخر درد اینجاست که کارگران ایران حتی از همین حق ابتدایی یعنی تشکل مستقل شان، یعنی تنها ضامن اجرای خواسته ها و مطالباتشان نیز محرومند. حال کارگران دنیا می توانند قضاوت کنند که در کارخانه های ایران چه میگذرد و بر سر کارگران ایران چه می آید؟

ما از کارگران جهان می پرسیم آیا راهی نیست که بکمک اعتراضات و مبارزات کارگران ایرانی بشتابید؟ آیا امکان ندارد که بتوان صدای اعتراض را علیه حکومت اسلامی بلند کرد؟ صدایی که می تواند از تمامی اتحادیه ها و تشکلهای کارگری جهان برخیزد؟ آیا نمی توان دست بدست هم داد و صخره های سد بربریت را در برابر رودهای مبارزات کارگران ایران در هم کوبید و راه را برای آینده ای کما بیش روشن پر تلاش هموار کرد؟

تنها فعالیت مسؤلانه و پیگیر تک تک کارگران سابق ایرانی مقیم خارج از کشور در جهت ارتباط گیری با مجامع کارگری جهان می تواند عمق بی حقوقی کارگر ایرانی را بلزگو کند و بکمکشان بطلبند و این همان سومین هدفی است که انجمن در برابر خود نهاده.

هدف دوم و چهارم پلاتفرم یعنی دفاع از مبارزات جاری کارگران ایران و ابراز همبستگی با مبارزات کارگران جهان دیگر به این بستگی پیدا می کند که ما از نظر تا چه حد در جریسان حرکات کارگری در داخل ایران قرار بگیریم و از طرف دیگر گستردگی تماس مان با جریانات مبارزاتی کارگری در خارج از کشور چقدر باشد.

و اما مشکلی که من در رابطه با پلاتفرم پیدا کرده ام، با وجود تغییراتی چند در طرح پلاتفرم اولیه (منتشره در شماره اول نشریه)، یک مسئله برای من کماکان در ابهام باقی میماند و آن اینکه چگونه رفقای به منوعیت وجود هر گونه تشکل مستقل کارگری در ایران معترف اند و در پلاتفرم خود نیز ابتدائاً خبر از شرایط دشوار حاکم بر کارخانه های ایران میدهند، اما در عین حال از عباراتی مثل اینکه "کارگران ایران برای حفظ موقعیت در سطح معیشت خود پیگیرترین مبارزه را در فعالیت روزمره خود به پیش می برند" و یا در جایی دیگر با اینکه هزاران کارگر در سیاهچاله های رژیم اسیرند و ... و ... و ... مبارزات کارگران ایران بطور پیگیر و همه روزه ادامه دارد" استفاده می کند! من از خود می پرسم آیا

می توان در دشوارترین شرایط مبارزاتی یا بزبانی به معنی دیگر در شرایطی که حتی ضعیف ترین صدای یک نماینده مجلس "حکومت اسلامی" با وجود دارا پذیرش بودن صدونیت سیاسی به زندانی شدن و ی اشراپ غارت خانه اش می انجامد، یعنی در شرایطی که شرایط آزادی بیان خواسته ها و حق فعال شدن درجه اینگونه این خواسته ها حتی برای شرکا حکومتی وجود همیشه ندارد و قلع و قمع خونین مخالفین سیاسی نیز آنها کسی پنهان نیست، در جاری بودن هر گونه قانع نمود و مقرراتی که اتفاقاً متناسب و نشانگر رشد نمود مبارزاتی در تمامی نیروهای پیش برنده یک جامعه روند تحول عینی در آنست و بالاخره با توجه به اعتراف خود پلاتفرم که کارگران ایران فاقد ابتدائاً ترین حقوق هستند، پیگیرترین مبارزه را به پیوسته دفاع

اگر کارگران می توانستند در هر گوشه هر سر جهان، تحت سلطه هر شیوه حکومتی فقط به مد قهرمانی و شهادت فردی شان مبارزه حاد و پیگیر را به پیش ببرند، آیا این هدف پلاتفرم که جلس حمایت کارگران جهان بمنظور کمک به برپایی تشکل مستقل کارگری در ایران است محلی از اعراب پیدا می کند؟ مگر ما بغیر از اینکه کارگر ایرانی هم بتواند بدون تهدید به اخراج، دستگیری و زندان و حتی اعدام در جهت خواسته اش آزادانه فعال شود، در حال حاضر چه انتظار دیگری از اتحادیه های کارگری رسمی و قانونی جهان داریم اصلاً چه احتیاجی بهرگونه تلاش با ضمون خا یعنی تحمیل تشکلهای مستقل کارگری به "حکومت اسلامی"، و بناچار ارتباط گیری با اتحادیه های قانونی کارگری جهان که در چهار چوب حکومتها کاپیتالیستی فعالند جود دارد؟

حداقل استنباط من از کرد هم آبی فعلم اعضا این انجمن این است که همه همدا با هم و دست در دست کارگران دیگری خواهیم راه را برای تحمیل تشکل مستقلی از انجمن های اسلامی ضد کارگر به "حکومت اسلامی" باز کنیم.

رفقا! باور کنید بحث من بر سر ندیده گرفتن حرکات اعتراضی پراکنده، اعصاب ها و مبارزات موفق و یا ناموفق کارگری که در حال حاضر هم در ایران جریان ندارد نیست. بحث اینجاست که چگونه می توان نوك پیکان اعتراضات را تیز کرد و انرا از کمان مناسب تری پرتاب نمود، ممکن ها را بکار گرفت و متشکل و هماهنگ قدم بر داشت و قربانیان کمتری داد. تنها در مبارزه تا حد ممکن "آزادانه" برای بهبود شرایط کار و زندگیست که کارگر این فرصت را پیدا می کند که خود را بعنوان یک طبقه در برابر طبقه دیگری ببیند، سطح خواسته هایش را بالا ببرد، ریشه فرودستی خود را دریابد و آنگاه که دست ریشه برد زمینه را برای تحقق شعار آزادی و برابری بمعنای واقعی هموار کند. پیگیری واقعی کارگر وقتی متجلی میشود که مبارزات نه فقط در شیوه پیگیرانه، بلکه بلحاظ معنا بر علیه مالکیت خصوصی سرمایه داران بر وسایل تولید یعنی علت ریشه همه این محرومیتها و تبعیضات درگیرد و تا زمانیکه کارگران نتوانستند باشند خود را از اسارت این چهار چوب "عادلانه" برای سرمایه داران برهانه

به معنای واقعی کلمه پیگیر نشده اند .
 حال این سؤال پیش میآید که آیا نویسندگان و پذیرندگان این پلاتفرم دیدی مبتنی بر واقعیت از شرایط کار و زندگی کارگران ایران، راه مبارزه با این شرایط و چگونگی تغییر این شرایط را دارند؟ نکند اینگونه در هر جمع شدن آنها از همان تیرهائیست که همیشه در تاریکی پرت میشوند، انگار هدف پرتاپ آنهاست اما روشن نیست که به کجا باید اصابت کرد! منظورم را کمی پائین تر روشن خواهم نمود . حال بیایید با هم بازنگاهی به اهداف و وظایف پلاتفرم بیندازیم . اولین هدف یعنی شکل کردن کارگران سابق از همان اولین روز شکل انجمن تا گسترش کمی هر چه بیشتر آن بخود جاه عمل پوشانده است . دومین هدف یعنی دفاع از کلیه اشکال مبارزات کارگران ایران حال بر سر هر خواسته ای که باشد این معنی را دارد که هر حرکت کارگری، بر سر هر خواسته ای و بهر شکل که انجام گرفت این وظیفه را در برابر انجمن قرار میدهد که از طریق بیان آن در نشریه اش و یا از این بیشتر، تحلیل آن حرکت و شمردن نکات مثبت و منفی آن که بنظر من این دو نیست که ضرورت عاجل دارد، یعنی کمک به عدم تکرار شیوه های به شکست رسیده و درس گیری از هر حرکت مبارزاتی - به دفاع از آن برخیزد . حال یک راه دیگر هم باقی می ماند و آن اینکه اخبار این مبارزات را بگوش دیگران برساند و حمایت آنان را به شکلی که تا بحال مرسوم بوده جلب کند، یا اینکه راه تازه ای برای کارایی این حمایت پیدا کند . حال این حمایت میخواهد زمانی باشد یعنی در نشریات اتحادیه های کارگری بیاید و یا اینکه حمایت جدی تر از اینها هم در آینده شاهدش باشیم . اینهم راه عملی نمودن هدف سوم پلاتفرم . هدف چهارم یعنی ابراز همبستگی با مبارزات کارگران جهان و وظیفه متقابلی است که کارگران این انجمن با احساس مسئولیتی که در قبال مسائل و مبارزات هم طبقه ای هایشان در سراسر جهان دارند بگردن می گیرند . و حال نظر مرا بشنوید . درست تر این بود که این چهار بند تحت عنوان وظایف انجمن میآید، وظایفی که برای جامعه عمل پوشاندن به یک هدف اساسی در برابرمان قرار میگرفت . یعنی تحمیل تشکلهای مستقل کارگری در ایران بکمک فشار افکار عمومی کارگری جهان والیه همراه با مبارزات کارگران ایران در این جهت چهار بندی که هم بخودی خود مثبت و ضروری اند و هم راه را برای بررسی نشانیدن و تحمیل تشکلهای مستقل کارگری بکمک مبارزات داخل و حمایت خارج هموار می کند . به زمانی دیگر، اگر ما بتوانیم با احساس مسئولیت کارگری تمامی تلاش مان را برای عملی نمودن این تنها هدف اساسی فعلی خود بکار گیریم، و روشن است که در حال حاضر هم نمی توان آینده را پیش بینی کرد چرا که به روشن نمودن و حل معضلات دیگر هم ربط پیدا می کند، گاهی بس مهم به نسبت توان مان بعنوان کارگران سابق ایرانی در خارج از کشور برداشته ایم .

حال با صحبت های بالا اگر به یازده بندی که پلاتفرم تحت عنوان وظایف خود بر میسرند بر گردیم، چیزی که حداکثر به دستمان میآید، بخیراز نهم شماره (۱) که من آنرا بعنوان هدف اساسی

انجمن قلمداد کردم، و معلوم نیست چرا "حق اعتصاب" هم همراه با دفاع از تشکل مستقل در یک جمله واحد آمده! و شماره (۲) که باز تکرار همان بند دوم اهداف عمومی یعنی دفاع از کلیه اشکال مبارزات کارگران ایران است، اما این بار بعنوان وظیفه آمده و بالاخره معلوم نیست هدف است یا وظیفه . بقیه وظایف یعنی از شماره ۳ تا ۱۰ که باز ضمن مبارزات کارگران ایران را تشکیل میدهند و توضیح ریز تر شماره (۲) هستند، بدین معنی که شماره (۲) می توانست بدینگونه بیاید دفاع از اعتصابات و مبارزات کارگران ایران شامل دفاع از بهبود سطح زندگی و معیشت کارگری، دفاع از حقوق ویژه زنان، دفاع از حق کار و بیمه بیکاری و غیره . که البته در همینجا باید گفت که اول فقط پاره ای از آنها با واقعیت خواسته های فعلی کارگران ایران تطبیق می کند و پاره ای را نویسندگان پلاتفرم برای کارگران ایران لازم می دانند که جای تحلیل آنها اینجا نیست و ثانیاً این یازده بند تمامی حقوق کارگران را در بر نمی گیرد و می توان بندهای زیادی به آن افزود که چه برای کارگران بطور خاص مطرح است و یا با یک مطرح باشد و چه برای جامعه ایران بطور عام مثلاً شماره ۱۱ که دو خواسته را در رابطه با جامعه ایران بطور کلی بیان می کند .

اگر یک تشکل مترقی خواسته باشد در بیان مطالباتش از سطح خواسته های در حال حاضر مطرح کارگری در ایران فراتر رود، این یازده بند در حقیقت بسیار ناهم نظر میرسد . خوب بود که نویسندگان پلاتفرم در مقاله ای جداگانه تحت این عنوان که وضعیت را چگونه می بیند، روی خواسته های مطروحه در جامعه ای اینچنینی بطور عموم و حقوق کارگری بطور اخص چه نظری دارند و کمبودها را در کجا و در چه می بینند نظرآنان را بیان می کردند . چرا که تا جائیکه دفاع از مبارزات کارگران ایران مطرح است قبیله بر میگردد به اینکه این مبارزات واقعا در چه متنی صورت میگیرند، چه مشخصه ای دارند، سطح خواسته ها و شرایط حاکم بر کارخانه ها و جو حاکم بر کل جامعه چیست و از همان خواسته ها دفاع خواهد شد . اما آنجا که بنا به درک هر متفکری خواسته های مطروحه در جامعه چه باید باشد دیگر به آرمانهای افراد بر میگردد و عملی نمودن آن خارج از توان این انجمن است، آرمانهایی که دفاع از آنها می تواند در نوشته های جداگانه در نشریه انجمن درج گردد .

تا اینجا شاید به من حق بدهید که نظمی منطقی بین اهداف و وظایف این پلاتفرم نیابم چون تا جائیکه بفرگن میرسد هدف آرمانیست که در برابرمان قرار میدهم و بعد وظایف ما را راههای مختلف رسیدن به آن هدف مشخص می کند . بدین معنا از چنین رابطه ای بین اهداف و وظایف در این پلاتفرم نشانی نیست .

تجربه به من نشان داده است که جمعیتها و تشکل بدون در نظر گرفتن توان و کارایی و واقعیت وجودی خود، شناخت دقیق از زمینه ای که در آن فعالند و بالاخره بدون تلاشی سراسری، پیگیر و همه جانبه نمی توانند به هدفشان جامعه عمل بپوشانند . تعیین خود هدف نیز که عده ای

بدرستی با در نظر گرفتن شرایط برای عملی شدنش بر آن مهر کوتاه مدت یا دراز مدت می زنند، به واقع بینی و روشن بینی عمیقی نیاز دارد . اگر یک تشکل نمی خواهد که آرمانهایش فقط بر روی کاغذ پلاتفرمش باقی بماند باید از اشتباهات گذشته پند بگیرد، و واقعیت را بتامی، یعنی هر آنچه هست ببیند و اوهم و آرزوهای دور و درازش را در کسب برای آینده بایگانی کند، باید تاریخ گذشته سنت مبارزاتی، سطح آگاهی، سطح خواسته ها و مطالبات فعلی و بالاخره تمامی زوایای جامعه ای را که در صدد تغییر آنست به روشنی و بدون زواید غیر واقعی ببیند . آنگاه با بکارگیری تمام توان و امکاناتش سنگهای سخت راه را بکوبد و به پیش برود . متأسفانه باید گفت که تیره های پرتاب شده تاکنونی از طرف کسانی که آرزو و ادعای تغییر وضع موجود را داشتند دردی از کسی دوا نکرده . بدو هم جمع شدن رفقای دلسوز تازه اول کار است . باز شدن درچه هایی به بخشهای ناروشن، پدیدار شدن طلت شکستهای گذشته و شناخت و بکارگیری تجربیات غیر ملی و ملی، راه دشوار است که گام زدن در آن تازه چشم انداز روشنی را برای تعیین چگونگی حرکت های آینده در برابرمان خواهد گسترده .

باید روشن کرد که آیا ما نمونه پند گرفته از اشتباهات و ندانم کاریهای گذشته ایم؟ آیا به دستاوردهای تازه ای رسیده ایم؟ آیا این رسالت را داریم که خرابیهای پشت سرمان را تعمیر کنیم؟ کدامیک از ابزارهای قدیمی را کنار گذاشته ایم و چه ابزارهای جدیدی یاریگرمان شده است؟

اگر نظر مرا بخواهید باید بگویم که هیچ لقمه جویده و از پیش آماده ای وجود ندارد . اینرا خطاب به کسانی می گویم که تنگ بودن وقت را بهانه برای تصویب هر چه سریعتر پلاتفرم ها و اساسنامه ها قرار میدهند، اینرا خطاب به کسانی می گویم که "تصمیم" می کنند که این بار طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل زیر پرچم خود و با آرمان انقلاب کارگری به میدان خواهد آمد!

این حکم واقعیت است که میگویند این بار نیز برای کسانی که جامعه ایران را در آستانه تحولات سیاسی تعیین کننده می بینند، کارگران ایران نقش خود را بعنوان رهبرهایی کل جامعه ایفا" نتوانند کرد .

رفقا! همراهمان! بیایید چهارچوبهای از شکل افتاده و وارفته قدیمی را بشکیم . بیایید جملات خشک و بیروح و خاکستری را تکرار نکنیم . واقعیت را کم رنگ تر و یا پر رنگ تر از آنچه هستند جلوه ندهیم . به آنچه که هستیم و به آنچه که تاکنون به آن رسیده ایم قانع نباشیم و دل خوش نکنیم، در عین کودکی خود را کهن سال ننمایانیم . بیایید دستهای شکننده مان را بهم قفل کنیم و با گام هایی مطمئن در راهی که حداکثر تلاش مان را برای شناختن زوایای تاریک بکار میگیریم قدم بگذاریم . و کیست که نداند که گام های مطمئن محتاج مطالعه ای عمیق و جدی، بحثی گسترده و همه جانبه، فراهم آمدن اتحاد نظر و سرانجام هماهنگی عملی همه رفقا است . به امید آن روز.

مخلص رفقا س.

آلمان اکتبر ۸۹

پلاتفرم

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

کارگران ایران زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی دشوارترین شرایط مبارزاتی خود را می گذرانند . اما علیرغم این کارگران برای حفظ موقعیت و سطح معیشت خود ، بی گیرترین مبارزه را در فعالیت روز مره به پیش می برند .

هم اینک کارگران ایران حق هیچگونه تشکل مستقل را ندارند . برابر قوانین جاری و در دست تصویب ، تنها نهاد های وابسته به دولت ، که تحت کنترل حکومت هستند ، اجازه فعالیت و تشکیل شدن دارند . این نهاد ها " انجمن های اسلامی " و " شوراهای اسلامی کار " می باشند . در حقیقت برپایی هر تشکل مستقل کارگری و مبارزه برای حقوق توده کارگران با مخالفت حکومت روبرو می شود . در مجموعه زندگی دشوار کارگران ایران ، کارگران زن شرایط بعرا تب بدتری دارند و هر روز بیش از پیش از امکان اشتغال و کار محروم می گردند .

با اینحال و با وجود اینکه هزاران کارگر در سیاهچال های رژیم اسیرند و تعداد زیادی از آنان اعدام شده اند و بیشتر از این تعداد از فعالین مجبور به خروج از کشور و یا اخراج گشته اند ، مبارزات کارگران بطور پی گیر و هر روزه ادامه دارد . اما با وجود این ، بین مبارزات طبقه کارگر ایران با کارگران جهان گسست وجود دارد . در حالیکه مبارزه کارگران ایران می تواند و باید حمایت بین المللی برادران کارگر خود را در اقصی نقاط جهان برانگیزد . کارگران کشورهای مختلف باید از شرایط سخت کارگران ایران ، که فاقد ابتدائی ترین حقوق هستند ، مطلع شوند و اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف و تشکلهای جهانی کارگری و ... باید بعنوان پشتیبان حقوق کارگران ایران نقش خود را بازیافت کنند .

ما بخشی از کارگران ایران ، که بناچار کشور خود را ترک کرده ایم ، بعنوان کارگران تبعیدی ، وظیفه خود می دانیم که از مبارزات جاری کارگران ایران در هر کجا ، دفاع کنیم . بدین منظور در این راه گام نهاده و همه کارگران تبعیدی و مهاجر ایرانی را فرا می خوانیم تا مشترکاً بکنک کارگران سایر کشورها جنبش دفاع بین المللی کارگری از مبارزات کارگران ایران را سازمان دهیم .

اهداف عمومی انجمن :

- ۱- متشکل کردن کلیه کارگران تبعیدی و مهاجر ایرانی ،
- ۲- دفاع از کلیه اشکال مبارزات کارگران ایران ،
- ۳- جلب حمایت کارگران جهان از مبارزات کارگران ایران ،
- ۴- همبستگی با مبارزات کارگران جهان ،

وظایف انجمن بشرح زیر است :

- ۱- دفاع از حق کارگران ایران برای برپائی اتحادیه ها و هر نوع تشکل مستقل کارگری و حق اعتصاب ،
- ۲- دفاع از اعتصابات و مبارزات کارگران ایران ،
- ۳- دفاع از بهبود سطح زندگی و معیشت کارگران ایران ،
- ۴- دفاع از حقوق ویژه زنان کارگر و دفاع از برابری کامل حقوق زنان با مردان در برابر کار مساوی ،
- ۵- دفاع از حق کار و بیمه بیکاری ،
- ۶- دفاع از حق دخالت تشکلهای مستقل کارگری در تدوین قانون کار مرفقی ،
- ۷- دفاع از حق تعیین حداقل دستمزد بر اساس تورم ، تحت نظارت تشکلهای مستقل کارگری ،
- ۸- دفاع از مبارزات کارگران برای تحصیل ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته و یکماه مرخصی در سال ،
- ۹- دفاع از مبارزات کارگران برای انحلال ارگانهای دولتی و سرکومر در محیط کارخانه ها ،
- ۱۰- دفاع از مبارزات کارگران اخراجی برای بازگشت به کار و آزادی کارگران زندانی ،
- ۱۱- دفاع از آزادی زندانیان سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم ایران .